




Influence Methods from the Qur'an in the Novels of Reza Amirkhani

Amirhossein Aghebati  Master of Comparative Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Behjat al-Sadat Hejazi*  Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Seyyed Amir Jihadi Hosseini  Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Abstract

The word of God in the most comprehensive heavenly book of the Qur'an and at the peak of eloquence and literary eloquence and content has always inspired poets and writers who are familiar with this divine gift and has undoubtedly been the source of many literary texts, especially educational literature. In some times, for example, from the 5th to the 8th century, we see the greatest influence of the Qur'an in Persian literature. Sometimes, due to the conditions of the time, for example, in the constitutional era, due to the influence of western culture, the amount of this influence decreases. Amirkhani is one of the young and talented contemporary writers who has used the Qur'an in different ways in his writings more than other writers and is the initiator of the new application of the verses of the Qur'an in the field of novel writing, which was unprecedented before him. In addition to his love for the Qur'an, he has created novel ways of being influenced by the Qur'an with his literary creativity. The variety of ways of using the verses of the Qur'an in his novels are examined in two parts: the traditional ways of being influenced by the Qur'an and his innovation in being influenced by the verses of the Qur'an. Innovation in calligraphy, innovation in translating words, creating images with words and verses, and innovation in using Qur'anic signs are among his unique ways of using the Qur'an. Reza Amirkhani's main goal in using these methods in his novels was to achieve new meanings; he had no intention of distorting or insulting the holy area of the Qur'an. This essay is based on the analysis of the qualitative content of the text and the context of its textual research, the most important novels of Amirkhani that is, Eremia, Man-e Ou, Bivatan, Gheydar, and Rahesh.

Keywords: Reza Amirkhani, Influencing Methods from the Qur'an, Eremia, Man-e Ou, Bivatan, Gheydar, Rahesh.

* Corresponding Author: hejazi@uk.ac.ir

How to Cite: Hejazi, B., Aghebati, A., Jihadi Hosseini, SA. (2023). Influence Methods from the Qur'an in the Novels of Reza Amirkhani, *Journal of Seraje Monir*, 13(45), 133-160.


شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌های رضا امیرخانی


کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

امیرحسین عاقبتی 

بهجت‌السادات حجازی* 

سید امیر جهادی حسینی 

چکیده

کلام خداوند در جامع‌ترین کتاب آسمانی قرآن و در اوج بلاغت و فصاحت ادبی و محتوایی همواره از دیرباز الهام بخش شاعران و نویسندگان آشنا و مانوس با این موهبت الهی بوده است و بدون تردید سرچشمه بسیاری از متون ادبی، خصوصاً ادبیات تعلیمی بوده است. در بعضی زمان‌ها، مثلاً از قرن پنجم تا هشتم، بیشترین تأثیرپذیری از قرآن را در ادبیات فارسی مشاهده می‌کنیم. گاه نیز به اقتضای شرایط زمانی، مثلاً در عصر مشروطه، به دلیل نفوذ فرهنگ غربی — میزان این تأثیرپذیری کم می‌شود. امیرخانی از نویسندگان جوان و توانای معاصر است که بیش از نویسندگان دیگر از قرآن به صورت‌های مختلفی در نوشته‌های خود بهره برده است و اصولاً آغازگر کاربرد نوین آیات قرآن در حوزه رمان‌نویسی است که پیش از وی سابقه نداشته است. وی افزون بر انس و الفت با قرآن، شیوه‌های بدیعی را در تأثیرپذیری از قرآن با خلاقیت ادبی خود آفریده است. تنوع روش‌های بهره‌گیری از آیات قرآن در رمان‌های او در دو بخش بررسی می‌شود: شیوه‌های سنتی تأثیرپذیری از قرآن و نوآوری وی در تأثیرپذیری از آیات قرآن. نوآوری در رسم‌الخط، نوآوری در ترجمه واژه‌ها، تصویرآفرینی با واژه‌ها و آیات و نوآوری در کاربرد نشانه‌های قرآنی، از جمله شیوه‌های منحصربه‌فرد او در بهره‌گیری از قرآن است. هدف اصلی رضا امیرخانی در به کارگیری این شیوه‌ها در رمان‌های خود، دستیابی به معانی جدید بوده، به هیچ عنوان قصد تحریف یا اهانت به ساحت مقدس قرآن را نداشته است. این جستار بر مبنای تحلیل محتوای کیفی متن و جامعه متن پژوهش، مهم‌ترین رمان‌های امیرخانی، یعنی ارمیا، من او، بیوتن، قیدار و رهش است.

کلیدواژه‌ها: رضا امیرخانی، شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن، ارمیا، من او، بیوتن، قیدار، رهش.

۱. مقدمه

یکی از کتاب‌های آسمانی در جهان که سرچشمه بسیاری از شناخت‌ها و دانش‌های بشری

و خلاقیت‌های ادبی در پهنه هستی شده، بدون تردید قرآن است. قرآن کریم به واسطه عمق معانی، غنای واژگانی و ویژگی‌های منحصر به فرد هنری و بلاغی در مقام ارزشمندترین منبع دینی الهام‌بخش نزد شاعران، ادیبان و نویسندگان قرار دارد، به گونه‌ای که ایشان در آثار خویش، از آیات و واژه‌های قرآنی به صورت‌های گوناگون بهره گرفته، برای ماندگاری اثر خود گام برمی‌دارند. کلام الهی سرشار از الفاظ و مفاهیم دلپذیر از دیرباز بیش از تأثیرگذاری بر هر طیف دیگر، بر جان و دل شاعران و نویسندگان می‌نشست و اندیشه ایشان را پُر بار و جذاب می‌کرد. علاوه بر این، قرآن کریم معجزه پیامبر اکرم (ص) نیز بود و باطنی عمیق و شگرف داشت. این‌ها همه باعث شد که پژوهشگران، شاعران و نویسندگان، شیفته قرآن کریم شوند و زیبایی‌های هنری و بلاغی قرآن را در آثار خود به کار گیرند. در واقع:

«بهره‌گیری از قرآن در آثار شاعران و نویسندگان علاوه بر اینکه نشانه دانشمندی، علم‌اندوزی و روشنفکری آن‌ها بود، به آثارشان نوعی قداست و حرمت می‌بخشید و این گونه آثار نزد مردم پذیرفتنی‌تر و ارزشمندتر می‌شد. برخی نویسندگان و شاعران هم به قصد اظهار فضل و نشان دادن علم و تسلط خود بر علوم قرآنی، از کلام الهی بهره می‌بردند. پیشینه بهره‌گیری و اثرپذیری سخنوران پارسی از قرآن به آغاز پیدایی و پاگیری شعر فارسی، یعنی نیمه‌های سده سوم می‌رسد. بنا به گزارش تاریخ سیستان، محمدبن وصیف سگری، نخستین شاعر پارسی‌گوی است که برای اولین بار در آثار او بهره‌گیری از قرآن را مشاهده می‌کنیم» (راستگو، ۱۳۹۲: ۶).

با گذشت زمان و گسترش شعر فارسی، به‌ویژه پیوند آن با پاره‌ای از پدیده‌های فرهنگی که پیوند استوار و نزدیکی با قرآن و حدیث داشتند و نیز پدید آمدن گروهی از سخنوران که افزون بر طبع توانای شاعری، در قرآن و حدیث و معارف اسلامی نیز از توانایی بالایی برخوردار بودند، سبب شد تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی گسترش روزافزون یابد. از سده‌های پنجم تا هشتم، بیشترین استفاده از قرآن را در ادبیات فارسی شاهد هستیم، به‌ویژه در قرن هفتم که مثنوی معنوی مولانا به لحاظ استفاده‌های متنوع وی از آیات قرآن در اوج قله تأثیرپذیری از این کتاب آسمانی قرار می‌گیرد. در دوره مشروطیت، به سبب ارتباط با

کشورهای غربی و نفوذ فرهنگ غرب، این تأثیرپذیری کمرنگ می‌شود. همچنین، در دوران پهلوی، به دلیل حمایت نشدن از آثار ادبی مذهبی، نشانی از آیات قرآن در آثار این دوره دیده نمی‌شود، یا بسیار کاهش می‌یابد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مجدداً تأثیرپذیری از قرآن در ادبیات فارسی فزونی می‌گیرد.

رضا امیرخانی، نویسنده توانمند و خوش ذوق دوره معاصر است که تأثیر قرآن در آثار داستانی وی به خوبی نمایان است. در این پژوهش، ویژگی‌های سبکی منحصر به فرد او و نیز کاربردهای متنوع قرآن در پنج رمان وی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. بیان مسئله

با توجه به اینکه در سال‌های گذشته، بهره‌گیری از آیات قرآن در عرصه رمان‌نویسی سابقه نداشته‌است و در بیشتر متون ادبی کلاسیک، تا پیش از دوره مشروطیت نشانه‌هایی از قرآن دیده می‌شود، تحلیل شاخص «قرآن‌گرایی» در حوزه ادبیات داستانی معاصر، به عنوان یک شاخص سبکی، منطقی به نظر می‌رسد. امیرخانی افزون بر انس و الفت با قرآن، شیوه‌های بدیعی را در تأثیرپذیری از قرآن، با خلاقیت ادبی خود آفریده‌است.

۲-۱. پیشینه و روش پژوهش

در زمینه تأثیر قرآن بر نظم فارسی، پژوهش‌های زیادی تألیف شده، اما در زمینه تأثیر قرآن بر نثر فارسی کارهای اندکی صورت گرفته‌است که در این زمینه می‌توان آثار زیر را نام برد:

— «آسیب‌شناسی بازتاب و کارکرد مفاهیم قرآنی در ادبیات داستانی معاصر، مطالعه موردی آثار: صادق هدایت، رضا امیرخانی» (رجبی، ۱۳۹۶). نویسنده در این پایان‌نامه، سعی کرده‌است با رجوع به آثار صادق هدایت و رضا امیرخانی، جلوه‌هایی از نمود و تأثیرپذیری قرآن کریم را در حوزه ادبیات داستانی معاصر بررسی نماید و با برشمردن نحوه کارکرد و طرح آیات قرآن کریم، گزارشی از نحوه درج عین متن عربی آیات، و نیز نحوه ظهور و بروز محتوای معنایی و مفهومی آیات قرآن کریم در آثار نامبردگان ارائه دهد.

شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌های رضا امیرخانی؛ امیرحسین عاقبتی و همکاران | ۱۳۷

— «تأثیر قرآن و حدیث در حدیقه سنایی» (خسروی، ۱۳۸۸). نویسنده مقاله فوق، آیات و احادیثی را که به شیوه‌های تلمیح و تصریح در حدیقه سنایی به کار رفته، استخراج کرده، هر بیت را با آیه مربوط به آن ذکر نموده است و آن‌ها را با هم مطابقت داده است.

— «کاربرد آیات و احادیث در تاریخ بیهقی» (مجوزی و علیخانی، ۱۳۹۳: ۸۵-۱۰۲). در این مقاله، سعی نگارندگان بر آن بوده تا هنر سبکی بیهقی و بلاغت او را از حیث کاربرد آیات و احادیث به شیوه توصیفی—تحلیل بررسی نمایند. در این تحقیق، به نمونه‌هایی از کاربرد آیات که بی‌هیچ گونه فاصله به رشته نثر می‌پیوندند و کاربرد اخلاقی و پندآموز دارند، به عنوان برجسته‌ترین شیوه بهره‌گیری از آیات اشاره شده است.

— «قرآن و حدیث، الهام‌بخش آرای عرفانی نجم‌الدین رازی در *مرصادالعباد*» (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۴). نجم‌الدین رازی در *مرصادالعباد*، اندیشه‌های عرفانی خود را بر اساس روش و محتوای کلام وحی و سنت الهی بیان کرده که این مقاله در صدد بازکاوی تأثیر قرآن و حدیث در این اثر منثور است.

در هیچ یک از این آثار، به شیوه‌های جدید تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌های امیرخانی اشاره نشده است و با توجه به اهمیت این موضوع، به‌ویژه در مواجهه با کم‌التفاتی قشر جوان به قرآن، ضرورت انجام این پژوهش اثبات می‌گردد. هدف از تحلیل محتوای رمان‌های رضا امیرخانی، شناسایی شیوه‌های جدید تأثیرپذیری از قرآن و نیز خلاقیت‌های او در کاربرد آیات قرآنی در متن رمان با اهداف گوناگون است. شیوه این پژوهش، بر مبنای تحلیل محتوای کیفی متن و جامعه متن پژوهش، مهم‌ترین رمان‌های امیرخانی «رمیا»، «من او»، «بیوتن»، «قیدار» و «رهش» است.

۲. بحث اصلی

۲-۱. تأثیر قرآن بر داستان و رمان

قرآن، بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام و نشانه حقانیت دین مبین اسلام است. در اعجاز قرآن، همین بس که از زمان نزول آن تاکنون کسی نتوانسته است آیه‌ای همانند آن بیاورد.

با واکاوی ابعاد مختلف قرآن، همواره افق‌هایی تازه در برابر پژوهشگران گشوده می‌شود. یکی از مهم‌ترین بحث‌های زبان و ادبیات فارسی، تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان از ظاهر و باطن قرآن است.

قرآن کریم، همان‌طور که ابتدا بر شعر شاعران و سپس بر نثر نویسندگان تأثیر فوق‌العاده‌ای گذاشت و سراسر آثار آن‌ها را در بر گرفت، با ظهور داستان و رمان در ایران بر این نوع ادبی نوین نیز تأثیرگذار بود. در دوره مشروطیت، به سبب ارتباط با کشورهای غربی و نفوذ فرهنگ غرب، این تأثیرپذیری کمرنگ می‌شود. همچنین، در دوران پهلوی، به دلیل حمایت نشدن از آثار ادبی مذهبی، نشانی از آیات قرآن در آثار این دوره دیده نمی‌شود، یا بسیار کاهش می‌یابد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مجدداً تأثیرپذیری از قرآن در ادبیات فارسی فزونی می‌گیرد. اگرچه قرآن کریم کتاب هدایت و تربیت انسان‌هاست و حاوی ارزش‌های اخلاقی و انسانی و دربردارنده بسیاری از احکام و مسائل سیاسی، اجتماعی و... است، ولی از دیرباز به لحاظ اعجاز زبانی و بلاغی نیز در ذهن و زبان شاعران و نویسندگان اثرگذار بوده است.

با ظهور رمان و داستان در ایران، نویسندگان به بازگویی داستانی حوادث و امور زندگی روی آوردند و علاوه بر آن، به بیان مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و... در رمان‌های خود مبادرت ورزیدند، ولی کمتر کسی در حوزه داستان‌نویسی به کاربرد آیات قرآن پرداخته است. از جمله نویسندگانی که در رمان از آیات قرآن بهره گرفته است، «ابراهیم حسن بیگی» است. وی در رمان «حضرت محمد (ص)»، با یک رویکرد واقع‌گرایانه به روایت تاریخ زندگی حضرت بر مبنای آیات قرآنی مبادرت می‌ورزد. رمان از زبان یک فرد یهودی به نام «اسحاق» روایت می‌شود که حوادث زمان پیامبر (ص) را در جایگاه یک جاسوس زیر نظر دارد و برای شخصی به نام «حضرت والا» (ظاهراً یهودی دیگری که رئیس وی بود)، گزارش می‌دهد؛ مثلاً از تغییر ناگهانی قبله بر مبنای نزول آیه‌ای به پیامبر (ص) در هنگام نماز جماعت به حضرت والا خبر می‌دهد.^۱ متن آیات عربی را نویسنده در این رمان به کار نبرده است، ولی به ترجمه آن‌ها در تمام متن رمان به ضرورت اشاره کرده است (رک؛ حسن بیگی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

رضا امیرخانی، نویسنده توانمند و خوش ذوق دوره معاصر است که تأثیر قرآن در آثار داستانی وی به خوبی نمایان است. وی در مقایسه با هم‌عصران خود بیشترین بهره را از آیات قرآن برده است. روش‌های گوناگون بهره‌گیری از آیات قرآن بر جذابیت رمان‌های او افزوده است. تنوع روش‌های بهره‌گیری از آیات قرآن در رمان‌های او، در دو بخش زیر بررسی می‌شود: شیوه‌های سنتی تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌های امیرخانی و نوآوری امیرخانی در تأثیرپذیری از آیات قرآن. در ابتدای این پژوهش به مورد اول خواهیم پرداخت.

۲-۲. شیوه‌های سنتی تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌های رضا امیرخانی

محمد راستگو در کتاب تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، به تفصیل شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن را در شعر فارسی بیان کرده است. رضا امیرخانی افزون بر استفاده از این شیوه‌ها در رمان‌های خود، نوآوری‌هایی هم در این زمینه نشان داده است که در ادامه، به ذکر مواردی از آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۱. اثرپذیری واژگانی

در این شیوه اثرپذیری، شاعر در به‌کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن و حدیث است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند و مستقیم یا غیرمستقیم به وسیله خود شاعر یا دیگران به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند. اثرپذیری واژگانی خود به سه شیوه وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی بخش پذیراست (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۹۲: ۱۵-۱۶).

«مردها نیز که بعضی‌شان به طور متناوب به زن‌هایشان^۲ و ارمیا نگاه می‌کردند، دور شدن ارمیا را تعقیب می‌کردند. نورعلی که چشم‌هایش زیر آفتاب صبحگاهی برق می‌زد، به آن‌ها می‌گفت: بچه خوبی بود. ذلیل مرده... دست خدا به همراهش باشد» (امیرخانی، ۱۳۹۷، ب: ۱۹۳).

عبارت «دست خدا» ترجمه «بِإِذْنِ اللَّهِ» است که در آیه ۱۰ سوره فتح آمده است: ﴿إِنَّ

الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ تَكَثَفَ إِنَّمَا يَنْتَكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ

أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ یعنی: «همانا مؤمنانی که (در حدیبه) با تو بیعت می‌کنند، به حقیقت با خدا بیعت می‌کنند (چون تو خلیفه‌ خدایی و همانا دست تو)، دست خداست بالای دست آنها. پس از آن، هر که نقض بیعت کند، بر زیان و هلاک خویش به حقیقت اقدام کرده‌است و هر که به عهدی که با خدا بسته است، وفا کند، به زودی خدا به او پاداش بزرگ عطا خواهد کرد.»

«پارک‌متر را رها می‌کند و می‌دود به سمت ورودی در امپیراستیت. با خودش فکر می‌کند که "إِنَّا أَنْزَلْنَا" بی‌بخواند برای محفوظ ماندن مازدا از دست دزد و پلیس و... وسط "لَيْلَةُ الْقَدْرِ" است که یکهو محکم تنه‌اش می‌خورد به یک سیلورمن که کنار پیچ ورودی لابی امپیراستیت ایستاده بود» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۲۲۱).

در اینجا، «إِنَّا أَنْزَلْنَا» و «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» از آیه ۱ سوره قدر وام‌گیری شده‌است: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾؛ یعنی: «ما این قرآن عظیم‌الشان را در شب قدر نازل کردیم.»

۲-۲-۲. اثرپذیری گزاره‌ای

در این شیوه، گوینده گزاره‌ای، یعنی عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی، بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریز و گزیری نیست، در سخن خود جای می‌دهد که این را اقتباس گویند. تنگنای وزن و قافیه از یک سو و اشتیاق به اقتباس از دیگر سو، گاه گوینده را وامی‌دارد، تا برای آذین‌بندی سخن خویش به آیه و حدیث، بیش از پیش آن‌ها را دگرگون و دستکاری کند و چه بسا ساختار اصلی آن‌ها را از هم بپاشاند که این را حلّ گویند (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۴).

«می‌خواهم بلرزم... جوری که همه لنت‌ها و ایمپلنت‌ها و سیم‌های ارتودنسی و پلاتین‌ها را بیرون بریزم... جوری که همه وصله و پینه‌تم را بیرون بریزم، روف‌گاردن‌ها و نیلینگ‌ها و فونداسیون‌ها و سرستون‌ها و تاورها و "أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا"...» (امیرخانی، ۱۳۹۷، ج: ۸۸).

آیه فوق، اقتباس مستقیم از آیه ۲ سوره زلزال است که این معنا در قرآن ذکر گردیده‌است: ﴿وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾؛ یعنی: «و بارهای سنگین اسرار درون خویش - که گنج‌ها و معادن و اموات و غیره است - همه را از دل خاک بیرون افکند.»

«از خودم در خودم می‌ترسیدم. سعی کردم برای خدا، از خدا و در خدا بترسم. سعی کردم و ترسیدم. کشیش — با صدایی زنگ‌دار — گفت: ﴿وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَىٰ * وَهُوَ يَخْشَىٰ * فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَىٰ﴾ (العَبَسُ / ۱۰-۸). هنوز گیج بودم که چرا کشیش این گونه سخن می‌گوید» (من او: ۱۵۵).

در اینجا، ضمن اقتباس و بیان آیه، آدرس آن نیز ذکر شده است.

۲-۲-۳. اثرپذیری گزارشی

در اثرپذیری گزارشی، گوینده مضمون آیه یا حدیثی را به دو شیوه ترجمه یا تفسیر به پارسی گزارش می‌کند. گاه به شیوه نقل قول و با یادکرد نام گوینده و گاه بی‌آن و از زبان خود (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۹۲: ۳۹).

«قیدار به رضایت، سری تکان می‌دهد و می‌خواهد راه بیفتد که پارکابی جلو می‌پرد و بلند می‌گوید:

سفر همه مسافرها بی‌خطر!

نَفْسِ شَرٍّ وَسَوَاسِ خَنَاسٍ، بی‌اثر!

کَرَمِ اَرْبَابِ كَرَمٍ، قیدار، مستمر!

دشمنِ ناجوانمردش، از قرتی تا امل، سرطانی و محتضرا! (امیرخانی، ۱۳۹۷، ج: ۲۱۳).

عبارت فوق ترجمه‌ای است از آیه ۴ سوره ناس: ﴿مِنَ الشَّرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾.

«از هرچه آب خوردن است، حالش به هم می‌خورد. حتی از چراغ سبز نوک

امپایر استیت که کلی برای عرب‌های مایه‌دار آب خورده است! و خداوند در کتابش

می‌گوید که بگو: اگر آبتان در زمین فرورود، چه کسی شما را آب روان خواهد داد؟!»

(همان، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

جمله بالا ترجمه مستقیمی است از آیه ۳۰ سوره ملک: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ

غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾.

۲-۲-۴. اثرپذیری الهامی - بنیادی

راستگو می‌گوید:

«گاه گوینده مایه و پایه سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و سروده یا

نوشته خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد و سخنی می‌گوید که آشنایان، آن را با آیه یا حدیثی در پیوند می‌بینند؛ پیوندی گاه تا آنجا نزدیک و آشکار که سخن را ترجمه‌ای خیلی آزاد (= مضمون‌گیری) از آیه یا حدیث فرامی‌نماید و گاه چنان دور و پنهان که پذیرش اثرپذیری را دشوار می‌سازد» (راستگو، ۱۳۹۲: ۴۷).

امیرخانی هم در رمان خود، چنین عمل می‌کند: «بعد شروع می‌کند به یادآوری اسامی گل‌ها؛ گل لاله، گل یاس، گل محمدی... ناخودآگاه صلوات می‌فرستد: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۴۲۵).

خداوند در آیه ۵۶ سوره احزاب درباره صلوات بر حضرت محمد (ص) این گونه فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ یعنی؛ «خدا و فرشتگانش بر (روان پاک) این پیغمبر صلوات و درود می‌فرستند. شما هم ای اهل ایمان، بر او صلوات و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گوید و تسلیم فرمان او شوید». به همین علت است که وقتی نام مبارک پیامبر (ص) برده می‌شود، ناخودآگاه ذکر صلوات به ذهن متبادر و گفته می‌شود.

۲-۲-۵. اثرپذیری تلمیحی

در این شیوه، گوینده سخن خویش را مانند اثرپذیری الهامی- بنیادی بر پایه نکته‌ای قرآنی یا روایی بنا می‌نهد، اما به عمد آن را با نشانه و اشاره‌ای همراه می‌سازد و به این گونه خواننده اهل و آشنا را به آنچه خود بدان نظر دارد، راه می‌نماید و چه بسا خواننده نا آشنا را به کندوکاو و پرس‌وجو وامی‌دارد. همین است تفاوت آشکار اثرپذیری تلمیحی با الهامی- بنیادی. این نشانه و اشاره بیشتر یادکرد پاره‌ای از واژه‌های ویژه آیه یا حدیث است (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۹۲: ۵۲).

«مسخ، چیز بدی نیست که... عذاب نیست که... ظاهرش عذاب است. باطنش، یعنی رسیدن به غایت وجودی! یارو می‌خواهد خوک شود. یک عمر گردش نمی‌چرخد و به آسمان نگاه نمی‌کند؛ مثل خوک زندگی می‌کند» (همان: ۴۰۲).

در اینجا به موضوع «مسخ شدن» و تبدیل چهره انسان گنهکار به حیوان اشاره دارد که

شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌های رضا امیرخانی؛ امیرحسین عاقبتی و همکاران | ۱۴۳

در آیه ۶۰ سوره مائده نیز آمده است: ﴿هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾؛ یعنی: «بگو (ای پیغمبر): آیا شما را آگاه سازم که کدام قوم را نزد خدا بدترین پاداش است؟ کسانی که خدا بر آنها لعن و غضب کرده، برخی از آنان را به بوزینه و خوک مسخ نموده است و آن کس که بندگی طاغوت (شیطان) کرده. این گروه را (نزد خدا) بدترین منزلت است و آنها گمراه‌ترین مردم از راه راستند».

امیرخانی می‌گوید:

«درخت را دیده‌ام که خشک می‌شود. سال که می‌گذرد، چگونه می‌افتد. قصر را دیده‌ام که قرن می‌گذرد، چگونه فرومی‌ریزد. کوه را ندیده بودم که بعد عمر، چگونه غبار می‌شود. از علائم قیامت در قرآن، یکی هم همین است: غبارشدن کوه‌ها. می‌خواستم بینم قیدار چگونه می‌افتد...» (امیرخانی، ۱۳۹۷، ج: ۷۵).

عبارت «غبار شدن کوه‌ها» اشاره به حوادث روز قیامت دارد که خداوند در آیات ۵ و ۶ سوره واقعه به آن اشاره کرده است: ﴿وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا * فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا﴾؛ یعنی: «و کوه‌های سخت متلاشی شوند. * در نتیجه، غباری پراکنده گردد».

۲-۲-۶. اثرپذیری تأویلی

اثرپذیری تأویلی یعنی اینکه:

«شاعر تأویل آیه یا حدیثی را دست‌مایه سروده خویش می‌سازد؛ یعنی با ذوق‌ورزی و نکته‌یابی، و با پنهان‌پژوهی و موی‌شکافی از لایه‌های برونی و دریافت‌های همگانی و پیام‌های پیدای سخن درمی‌گذرد و به لایه‌های درونی آن راه می‌یابد و پیام‌هایی پنهانی بازمی‌آورد. به این گونه، از آیه و حدیث، طرح و تفسیری نو، و بیک و پیغامی دیگر ره‌آورد خواننده می‌سازد» (راستگو، ۱۳۹۲: ۵۵).

امیرخانی در این زمینه می‌گوید: «جاسم، همسایه عرب‌زبان کاندومینیوم شماره بیست می‌گوید: ولكن همین توریسم را که شما بد می‌گوی، خدا در قرآن تمجید کرده است که سِيرُوا فِي الْأَرْضِ...» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

نویسنده در اینجا توریسم یا گردشگران را مخاطب آیه ۲۰ سوره عنکبوت قرار

داده است که می فرماید: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ
لِلْآخِرَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ یعنی: «بگو که در زمین سیر کنید و ببینید که خدا
چگونه خلق را ایجاد کرده (تا از مشاهده اسرار خلقتِ نخست بر شما به خوبی روشن شود
که) سپس خدا نشأته آخرت را ایجاد خواهد کرد. همانا خدا بر هر چیز تواناست».
امیرخانی می گوید:

«و همین امروز در جلسات اداری و شورایی و تشکیلاتی، آن بالا می نویسند که: عالم،
محضر خداست؛ و ما شیفتگان خدمتیم و... اما اگر گوش بسپاری به دیوارها، صدایی
می شنوی که می گوید: از جسمش بیرانید و بر جانش بخورانید...» (امیرخانی، ۱۳۹۷، د:
۸۴).

عبارت «عالم، محضر خداست»، تأویلی است از آیه ۱۴ سوره علق که خداوند متعال
می فرماید: ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ﴾؛ یعنی: «آیا او ندانست که خدا (اعمال زشتش را)
می بیند (و از او روزی انتقام می کشد؟)».

۷-۲-۲. اثرپذیری تطبیقی

در این شیوه اثرپذیری که از یک دیدگاه، به اثرپذیری تأویلی نزدیک است، گوینده یا
حدیثی را بر موردی ویژه که به ظاهر چندان با هم پیوندی ندارند، تطبیق می دهد، بی آنکه
معنی ظاهری و اصلی آن را نقد و رد، یا تأویل و توجیه کند، بلکه می توان گفت در این
شیوه، معمولاً به معنی اصلی و اولی آیه یا حدیث، نظری نیست (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۹۲:
۶۰). امیرخانی نیز می گوید:

«جنازه! چه زبانی در آورده ای! چندین بار جلو مرگت را گرفته ایم با بر و بچه ها! زیر
دست و پا نغله شده بودی سرِ دفنِ امام، کشیدیم بیرون که حالا بیایی نطق کنی و زنت
را توی غربت در به در کنی؟! یک تکانی بخور، خمس بهت تعلق نگیرد!» (امیرخانی،
۱۳۹۶: ۱۴۵).

خداوند در آیه ۴۱ سوره انفال درباره خمس می فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ
وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّنَجُّمِ أَجْمَعِينَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ یعنی: «و

ای مؤمنان،) بدانید که هر چه غنیمت و فایده برید، خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان (از خاندان او) است. اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) در روز فرقان، روزی که دو سپاه (اسلام و کفر در جنگ بدر) روبه‌رو شدند، نازل کرده‌ایم، ایمان آورده‌اید، و خدا بر هر چیز تواناست». اما در متن فوق، نویسنده به این موضوع اشاره می‌کند که اگر پولی را طی سالِ خمس‌ی نگه داریم و خرج نکنیم، چنانچه سال بگذرد، شامل خمس می‌گردد. بر همین اساس نویسنده، تکان خوردن انسان را با این موضوع تطبیق می‌دهد.

۲-۲-۸. اثرپذیری تصویری

اثرپذیری تصویری، یعنی:

«شاعر تصویر شعر خویش را از قرآن و حدیث وام می‌گیرد. مراد از تصویر، نقش آفرینی‌ها، سیماسازی‌ها، نگاره‌پردازی‌ها و چهره‌بخشی‌های شاعرانه‌ای است که سخنان با خانه خیال بر صفحه سخن می‌نگارد و می‌پردازد و حاصل آن همان است که در زبان ادب، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تجسیم، تشخیص و به طور کلی، صور خیال (= ایماژ) خواننده می‌شود. بنابراین، در اثرپذیری تصویری، شاعر تشبیه، استعاره یا مجازی را که در آیه یا حدیثی آمده است، مستقیم یا غیرمستقیم در همان حال و هوا یا در حال و هوایی دیگر بازمی‌سراید و یا سخن خویش را بر محور و مدار آن تصویر، چرخ می‌دهد و پی می‌ریزد» (راستگو، ۱۳۹۲: ۶۱).

امیرخانی می‌گوید:

«ایراد از چه بود که این ران ملخ را پس فرستادید؟

— پس نفرستادم، برادر. پیش فرستادمش! جایی که هم برای من، هم برای شما بهتر

باشد. ما که (وَمَنْ نُعَمِّرْهُ) مان در آمده‌است. اهل آکله نیستیم» (امیرخانی، ۱۳۹۷، ج: ۸۶).

عبارت «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ» در جمله بالا، کنایه از «پیر شدن و طی شدن عمر» است که از آیه ۶۸ سوره یس وام‌گیری شده است: «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْلَمُونَ»؛ یعنی: «و ما هر کس را عمر دراز دهیم، (به پیری) در خلقتش تغییر دهیم. آیا (در این کار) تعقل نمی‌کنند (که اگر عمر به دست طبیعت بود، پس از کمال به نقصان بازمی‌گشت)».

۹-۲-۲. اثرپذیری شیوه‌ای

در این زمینه:

«سخنور یکی از شیوه‌های بیانی-بلاغی قرآن یا حدیث را برمی‌گیرد و سخن خویش را بدان شیوه پی می‌ریزد. مقصود از شیوه، هر گونه شگردی است که سخن را از سطح زبان به سطح ادب و هنر فرامی‌برد و بر اثربخشی و گیرایی آن می‌افزاید؛ شیوه‌ها و شگردهایی که فنون بلاغت و نقد ادبی بررسی و بازنمایی آن‌ها را بر دوش دارند. یکی از شیوه‌های بیانی قرآن، این ویژگی است که پاره‌ای از واژه‌ها و عبارات آن را می‌توان به چند گونه خواند، بی‌آنکه به درستی و شیوایی آن‌ها آسیبی برسد؛ چیزی که در زبان قرآن‌پژوهان، فن قرائت و اختلاف قرائات نام گرفته‌است و از دیرباز، یکی از زمینه‌های گسترده قرآن‌پژوهی بوده‌است» (راستگو، ۱۳۹۲: ۸۵).

امیرخانی در این نوع اثرپذیری، گاه به جای استفاده از ترفند اختلاف قرائت، به جایگزینی واژه‌ها مبادرت می‌ورزد؛ مثلاً می‌گوید:

«ثواب جماعت را درک نمی‌کنم، خشی پشت ارمی می‌ایستد و نمازش را می‌خواند؛ بدون مهر. در قنوت هم چهار پنج بار پشت هم و تندتند می‌گوید: "رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا، رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا" و بعد هم سلام نماز و دست دادن خشی و ارمی با هم و "خدا قبول کند" گفتن. خفقان گرفته‌ام. انگار به جای "رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا" که خشی گفته بود، "رَبِّ زِدْنِي تَحِيْرًا" که نگفته بودم، رویم اثر کرده‌است...» (همان: ۹۴).

در اینجا، نویسنده واژه «تَحِيْرًا» را جایگزین واژه «عِلْمًا» کرده‌است و به گونه‌ای دیگر، از آیه ۱۱۴ سوره طه استفاده کرده‌است: ﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾؛ یعنی: «پس بلندمرتبه است و بزرگوار خدایی که به حق و راستی پادشاه مُلک وجود است و تو (ای رسول) پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل به تو رسد، تعجیل در (تلاوت و تعلیم) آن مکن و دائم بگو: پروردگارا بر علم من بیفز».

امیرخانی در جای دیگر می‌گوید:

«به اطراف نگاه می‌کند. چادرهای مسافرتی قرمز و زرد و آبی در کمپینگ و بوی تند گوشت بریان که از باریکیو بلند می‌شود. چند جوان سیاه دور یک ضبط بزرگ و میز

سفری پُر از قوطی آبجو جمع شده‌اند و با صدای تند جاز می‌رقصند... شک می‌کند.
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ إِذْ يَخْرُجُونَ! منتظر است تا نیمه سنتی دست کم جوابی دهد» (همان: ۴۰۶).

در اینجا، نویسنده شک خود را از ایمان مدعیان، با پیشنهاد جایگزینی واژه «يَخْرُجُونَ» به جای «يَدْخُلُونَ» در آیه ۲ سوره نصر ابراز می‌کند: ﴿وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾؛ یعنی: «و مردم را بنگری که فوج فوج به دین خدا داخل می‌شوند (و تو را به رسالت تصدیق می‌کنند)».

۲-۱۰-۲. اثرپذیری چندسویه

گاهی شاعر همزمان چند شیوه اثرپذیری از قرآن را در یک بیت جمع می‌کند؛ زیرا:
«این شیوه‌ها ناسازگار و به اصطلاح (مانعة الجمع) نیستند و چه بسا پاره‌ای از آن‌ها با یکدیگر در یک نمونه جمع می‌گردند و می‌توان گفت اینگونه نمونه‌ها اثرپذیری چندسویه دارند؛ مثلاً در این بیت حافظ:

ز رقیب دیوسیرت به خدای خود پناهم || مگر آن شهاب ثاقب مددی کند سها را
اثرپذیری‌های واژگانی، تلمیحی، تصویری و الهامی — بنیادی را یکجا در خود دارد.
واژه‌های "دیو" و "شهاب ثاقب" آشکارا نشان می‌دهند که زمینه تصویری بیت، برگرفته از آیاتی است که در آن‌ها از راندن شیاطین یا شهاب سخن گفته شده، مانند این آیه: ﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا * وَزَيْنَاهَا لِلنَّاظِرِينَ * وَحَفَظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ (الحجر/ ۱۸-۱۶)؛ یعنی: «همانا که در آسمان برج‌هایی نهادیم و آن‌ها را برای تماشاگران آراستیم و آن‌ها را از هر شیطان رانده‌شده‌ای پاس داشتیم، جز آنکه دزدانه بشنود که شهابی تابان او را پی خواهد کرد» (راستگو، ۱۳۹۲: ۸۷).

امیرخانی می‌گوید:

«انجیرهای نرسیده آن‌قدر برای ارمیا شیرینی داشتند که هر وقت شاخه درخت را تکان می‌داد، با لحنی عربی زمزمه می‌کرد: ﴿وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا﴾ و به خود می‌گفت: ارمیا درخت را تکان بده، تا برایت انجیر تازه بریزیم. ارمیا عیسات تو راه است! دارد با دنیا می‌آید. بخور بی‌چاره! انجیر بخور! بعد که برگشتی، باید روزه سکوت بگیری. دیگر نباید حرف بزنی. عیسات خودش حرف‌هاش را می‌زند. تو

دیگر لازم نیست حرف بزنی. او خودش وارد است. برای شما بنی اسرائیل یک عیسی لازم بود. عیسی باید به دنیا بیاید. من بیست سال است که درد زایمان دارم. آن وقت خدا می گوید: ﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ﴾. من درد زایمانم قدیمی است. تازه مریم نیستم. من خیلی خوشحالم که گفته است: ای کاش ﴿مِتُّ قَبْلَ هَذَا﴾! من خودم دارم به دنیا می آیم. من با عیسی خودم دوقلوبیم» (امیرخانی، ۱۳۹۷، الف: ۲۰۰-۲۰۱).

متن فوق شیوه‌های اثرپذیری تلمیحی، گزاره‌ای (اقتباس) و گزارشی (ترجمه) را یکجا دارد که از آیات ۲۳ و ۲۵ سوره مریم و ترجمه‌های آن‌ها اقتباس گردیده است: ﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّسِيًّا﴾ (مریم / ۲۳) و ﴿وَهَزِيءَ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا﴾ (مریم / ۲۵).

امیرخانی در موضع دیگر می گوید:

«چوپان اسم ایلیا را می گذارد این شهر آشوب. پدرش معاون شهردار منطقه است. از

جنس شهردارهاست! شهر آشوب نیست!

- مادرش را گفتم: مادرش شهر آشوب است.

- پسر را به پدر می شناسند.

- ذلک عیسی بن مریم... ذلک ایلیا ابن شهر آشوب!» (امیرخانی، ۱۳۹۷، د: ۱۷۷).

در اینجا نویسنده با توجه به آیه ۳۴ سوره مریم، از اثرپذیری تطبیقی واژگانی

(برآیندسازی) و گزاره‌ای (اقتباس)، از قرآن کریم بهره‌مند شده است.

پرکاربردترین شیوه اثرپذیری از قرآن کریم در رمان‌های رضا امیرخانی، شیوه چندسویه

است که نویسنده چندین شیوه را در قسمتی از متن به کار گرفته، نهایت بهره را از قرآن

کریم برده است.

۲-۳. نوآوری امیرخانی در تأثیرپذیری از قرآن

امیرخانی از جمله نویسندگان متعهد است که بعد از سال‌ها بی‌توجهی به فرهنگ

اسلامی و قرآنی در حوزه داستان‌نویسی، مجدداً رویکرد بهره گرفتن از آیات قرآن را در

متن رمان‌های خود احیای کند. کاربرد صحیح و به‌موقع آیات قرآن و تناسب هر آیه با متن

داستان که ویژگی‌های نثر کلاسیک، به‌خصوص گونه تعلیمی و عرفانی است، نشانه اشرف

او به آیات الهی می‌باشد. نویسنده با استفاده از قوه تفکر و تخیل خود، شیوه‌هایی نوین در تأثیرپذیری از قرآن به وجود آورده که تاکنون نبوده‌است و می‌توان آن را ابتکار و خلاقیت سبکی وی به شمار آورد. این نوآوری به این صورت است که آیاتی از قرآن اقتباس می‌گردد، اما در رسم‌الخط یا ترجمه واژگانی از آن آیه تغییراتی ایجاد می‌شود. جدای از این دو شیوه، نویسنده با استفاده از آیات و معنی آن، تصویری جدید می‌آفریند که این نیز سومین خصیصه سبکی و خلاقیت وی در تأثیرپذیری از قرآن است. این تغییرات به منظور دستیابی به معانی جدید و القای آن به ذهن مخاطب ایجاد می‌شوند؛ به عبارت دیگر، با تغییر دادن رسم‌الخط، ترجمه واژه به زبانی دیگر و وارونگی واژگان با توجه به آیات قرآن کریم، خوانش و تصویری جدید شکل می‌گیرد و ذهن خواننده را به معنا و پیامی جدید از آیات قرآن سوق می‌دهد. برای به کارگیری این شیوه‌ها، نویسنده باید آشنایی کاملی با قرآن و زبان‌های دیگر داشته باشد و علاوه بر این، ذهنی خلاق و قوی داشته باشد، تا بتواند از این نوع اثرپذیری، بهترین و بیشترین بهره را ببرد. همان گونه که اشاره شد، امیرخانی نوآوری در تأثیرپذیری از قرآن را به سه شیوه به کار گرفته‌است که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۳-۱. نوآوری در رسم‌الخط

در این شیوه اثرپذیری، حروف واژه‌ها از لحاظ نگارش و نوشتار تغییر می‌یابد، اما از نظر آوایی و شنیداری، یکسانند؛ برای مثال، نویسنده واژه «ظن» را که در قرآن آمده، «زن» می‌نویسد که خوانش هر دو یکی است، اما در نوشتار، متفاوتند. با این تحولی که در نگارش واژه رخ می‌دهد، معانی تازه‌ای به وجود می‌آید و خواننده با دو معنی مواجه می‌شود که این دوگانگی باعث جذابیت نوشته و پویایی ذهن مخاطب می‌گردد. نمونه‌های نوآوری امیرخانی در رسم‌الخط:

«همان جور که از کاندوی شماره دوازده، ویلای شماره نوزده را می‌پایم، صدایی در

گوشم می‌پیچد که «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ». انگار که صدای سهراب باشد. باور نمی‌کردم تا

اینجا دنبالم بیاید. حتی اگر تا اینجا هم می‌آمد، باورم نمی‌شد که آیه‌ای از قرآن بتواند از

حفظ بخوانند! **إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ**. در **سَرَم**، **دَوْرَانِي** است. صدای **سَنَتِي** می گوید: یعنی همانا بعضی از زن‌ها فقط اسم‌اند؛ مثل همین **آرمیتا**. هیچی نیستند. فقط اسم زن را روی خودشان گذاشته‌اند؛ نه حیایی، نه حجابی... خنده‌ام می‌گیرد. چگونه صدای **سَنَتِي** که باید استاد آیات و روایات باشد، از **ظَنِّ** و **إِثْم** به زن و اسم می‌رسد؟ اقللاً نزدیکی زبانی گمان و گناه را که باید بفهمد. صدای مدرن جوابم می‌دهد که: به خاطر مخارج حروف. خیال می‌کند که سهراب مخارج حروف را درست ادا نمی‌کند. **﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾** را می‌گوید: **إِنَّ بَعْضَ الزَّنِّ إِسْمٌ** سهراب... سهراب... جمعی گردان ۲۴ لشکر ۱۰ سیدالشهدا، مخارج حروف را درست ادا نمی‌کند! راستی کجایی سهراب؟» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۲).

در اینجا، نویسنده با تغییر در رسم‌الخط واژه‌های آیه ۱۲ سوره حجرات، به جمله و معنایی تازه دست می‌یابد؛ مثلاً عبارت **﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾** از درون این آیه اقتباس شده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾**؛ یعنی: «ای اهل ایمان، از بسیاری پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی **ظَنِّ** و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید. هیچ یک از شما آیا دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید (پس بدانید که مثل غیبت مؤمن به حقیقت همین است) و از خدا پروا کنید؛ که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است». اما این معنی در عبارت **﴿إِنَّ بَعْضَ الزَّنِّ إِسْمٌ﴾** معنا تغییر می‌یابد و نویسنده آن را به این معنا به کار برده است: «همانا بعضی از زن‌ها فقط اسم‌اند». سپس این معنی را شرح داده، تا سؤال یا ابهامی در ذهن مخاطب ایجاد نشود.

امیرخانی در جای دیگری می‌گوید:

«جیسن پیش از باقی می‌خندد:

- **بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا!**

- آره، می‌گفت: **بِزْنِ بِيهِمْ! بِزْنِ بِيهِمْ!**

همه می‌خندند» (امیرخانی، ۱۳۶۷: ۲۶۷).

در اینجا، نویسنده واژه **﴿بِذَنبِهِمْ﴾** را از آیه ۱۴ سوره شمس، با توجه به تلفظ و گویش، به

فارسی برگردانده، رسم‌الخط آن را تغییر داده‌است که موجب درک معنی دیگری از آن شده‌است. البته این یکی از بازی‌های زبانی است که امیرخانی به بهترین و زیباترین گونه از آن بهره برده‌است:

«به ضاد و لا الضالین که می‌رسد، نیمه سنتی شروع می‌کند به ایراد گرفتن. زبانش را لوله می‌کند، می‌پیچاند، خم می‌کند... دوباره می‌گوید... ضاد آن جور که باید سوت نمی‌کشد! دوباره می‌گوید. چشمانش را می‌بندد. تمرکز می‌کند. دوباره می‌گوید. به "ز" می‌خورد، به "ذ" می‌خورد، به "ظ" می‌خورد... به "ض" نمی‌خورد! دوباره می‌گوید. وقت تنگ است... تکرار "و لا الذالین و لا الزالین و لا الطالین" و تکرار ضاد و ضاد و ضاد و ضاد...» (همان: ۳۷۲).

در اینجا، نویسنده به علت شک داشتن در نحوه تلفظ حروف، رسم‌الخط عبارت «و لا الضالین» را با حروف دیگری نگاشته که با این کار، ظاهراً معنی دچار تغییر یا ابهامی نشده‌است، اما واژه «زالین» ذهن را به سمت افراد زال و سپیدموی می‌کشاند، البته در اینجا، این معنا مدنظر نیست و به معنای «گمراه‌کننده» به کار رفته‌است.

«... افتخار است. گره از کار مردم باز کردن است. حلالِ خداست. فساد و فحشا که نیست. اگر ما و امثال ما نباشند، فساد و فحشا دامنگیر می‌شود. توی کتاب آمده، تنها... تنها "عَنِ الْفَحْشَا وَالْمُنْكَرِ!" با بودن ما، دو خواهان به هم می‌رسند. دو تنها جمع می‌شوند و فحشا و منکری اتفاق نمی‌افتد. ثواب هم دارد!» (امیرخانی، ۱۳۹۷، ب: ۴۹۵).

عبارت «تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَا» در آیه ۴۵ سوره عنکبوت آمده که در اینجا واژه «تَنْهَى» به معنای "بازداشتن یا نهی کردن" به کار رفته‌است، اما نویسنده با تغییر در رسم‌الخط این واژه و تغییر آن به کلمه «تنها»، توانسته‌است معنای جدیدی را منعکس کند.

۲-۳-۲. نوآوری در ترجمه واژه‌های قرآنی

در این شیوه، نویسنده آیه یا واژه‌ای را از قرآن اقتباس می‌کند و جدای از اینکه معنای آیه یا واژه را مدنظر دارد، آن واژه را به زبانی دیگر ترجمه می‌کند و به معنای جدیدی دست می‌یابد. واژگان در هر زبانی، معنی خاص خود را دارند. شاید یک واژه تلفظ یکسانی در دو زبان داشته باشد، اما از نظر معنا متفاوتند. این تفاوت سبب می‌شود تا خواننده با خوانش

جدید واژه، معنی جدیدی را کشف کند؛ مثلاً واژه عربی «فان» با واژه «fan» در زبان انگلیسی از نظر تلفظ یکسانند، اما از نظر معنایی متفاوتند. واژه «فان» عربی که در قرآن کریم آمده، به معنای «فنا و فانی شدن» است، اما واژه «fan» که در زبان انگلیسی است، معنی «خنده و سرگرمی» می‌دهد. نمونه‌های نوآوری امیرخانی در ترجمه واژه‌های قرآنی:

«خودِ خدا هم توی قرآن می‌گوید که «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ»؛ یعنی «هر من برایش فانی است». برای هر انسانی، تفریحی گذاشته‌ایم. دوباره همه می‌خندند. جیسن «من» و «فان» عربی را انگلیسی خوانده‌است. ارمیا هیچ نمی‌گوید. اما خشی از رو نمی‌رود.

— آن زمان‌ها چه عقل‌مان می‌رسید که همین‌ها می‌توانند تفسیر هر منوتیک مدرنی باشند از قرآنی که مال همهٔ زمان‌هاست...» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۲۶۷).

در آیهٔ ۲۶ سورهٔ الرحمن آمده‌است: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾؛ یعنی: «هر که روی زمین است، دستخوش مرگ و فناست». واژه «فان» در این آیه به معنای «مرگ و فنا» است، اما در اینجا، نویسنده خوانش انگلیسی آن را پیش کشیده‌است، تا به معنی جدیدی از آن دست یابد که بر این اساس، واژه «فان» (Fan) معنای «خنده یا تفریح» می‌دهد.

در این قسمت، هم به خوانش واژه «فان» اشاره دارد:

«ارمیا در ادامهٔ داستان، در ماجرای مشکوک به وسیلهٔ سازمان‌های امنیتی — اطلاعاتی ایالات متحده گرفتار می‌آید و به قول جاسم: كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ. البته جاسم بعدتر در فصل زبان توضیح می‌دهد که کلمهٔ «فان» را نه به معنای «فانی و فناشدنی»، که به اشتباه به معنای «فان» انگلیسی (تفریح در زندگی) فهم کرده بود و من را نیز به معنای انسان» (همان: ۱۰۸-۱۰۹).

«در آسانسور باز می‌شود. خشی پشت به در آسانسور و رو به در کاندو ایستاده‌است.

انگار او هم منتظر آسانسور بوده‌است. در که باز می‌شود، آرام زیر لب می‌گوید:

— «وَجَنِّي الْجَنَّتَيْنِ دَانَ! دَانَ! آسانسور رسید!

وَجَنِّي الْجَنَّتَيْنِ را آرام می‌گوید، به «دان» که می‌رسد، بلند داد می‌کشد. ارمیا با خود

می‌اندیشد که «و میوه‌های آن دو بهشت در دسترس ایشان است»، چه دخلی دارد به آمدن

آسانسور. آرام آیهٔ بعدی را می‌خواند:

— فَبَايَ الْآلَاءِ رَبُّكُمْا تُكَدِّبَانِ! قرآن می‌خوانی خشی؟!!

خشی برمی‌گردد. ارمیا را که می‌بیند، می‌خندد و می‌گوید:

— به‌به! شاه‌داماد! ولکام! خوش آمدی! هپی فطرتو یو! البته نیتم ۱ کمی قرآن خواندن هم بود. اما ۲ کماندر بهم دستور داده بودند که آسانسور را بزخم تا بیاید، وقتی رسید، گفتم که دان! یعنی میشن کامپلیتدا! (همان: ۲۸۷ و ۲۸۸).

نویسنده در اینجا، ضمن اقتباس از آیات ۵۴ و ۱۳ سوره الرحمن، در ترجمه واژه «دان» به معنای جدیدی دست یافته‌است. واژه عربی «دان» در این آیه ﴿مُتَكِينًا عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَانُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ﴾ معنای در دسترس بودن و نزدیک بودن می‌دهد، اما خوانش انگلیسی آن، معنای (Done)، یعنی «انجام شد» می‌دهد.

«گفتم: پرس. پرسید:

— یس، یعنی چی؟

— ما را گرفته‌ای؟ یس، به فارسی، یعنی «بله»، به ترکی استانبولی یعنی «اوت»، به

آلمانی، یعنی «یا»، به فرانسوی، یعنی «وی»، به عربی یعنی «نعم».

— نه همان «یس» عربی را می‌گویم.

— «یس» توی عربی؟! من نشنیده‌ام. کجا دیده‌ای؟

— توی قرآن. اول یک سوره هست که... همان سوره‌ای که من برای آمدن تو نذر

کرده بودم... سوره «یس»... ما فرانسوی‌ها این چیزها را خوب نمی‌دانیم دیگر! (امیرخانی،

۱۳۹۷، ب: ۳۹۰).

در اینجا، واژه «یس» نام یکی از سوره‌های قرآن کریم است و اولین آیه این سوره نیز با همین حروف آغاز می‌شود، اما با تلفظ این واژه به زبان انگلیسی معنای آن به «بله» (Yes) تغییر می‌یابد.

«پناه می‌بریم به خدا. تنوع، شرط است. شرط زندگی است. برای زندگی خودت هم لازم است. در کتاب هم آمده... "و خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا"، نگفته... "و خَلَقْنَاكُمْ زَوْجًا"، صیغه جمع آمده‌است؛ یعنی چندتا، نه یکی» (همان: ۴۹۸).

در اینجا، شخصیت داستان، ترجمه واژه را به عمد تغییر می‌دهد و معنایی دیگر را به ذهن مخاطب القا می‌کند. در آیه ۸ سوره نأ آمده‌است: ﴿وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا﴾؛ یعنی: «و شما را جفت (زن و مرد) آفریدیم»، اما شخصیت داستان بر مفهوم «چند همسری» تأکید دارد.

«بارک‌الله! دود خوب نیست! نشئه‌جات، خاصه برای سن تو، برای سن شاهزاده، مناسب نیست. از دود و مشروبات پناه می‌بریم به خدا! این‌ها خیلی بد هستند. توی کتاب هم آمده، اصلش سوره دارد: سوره دخانیات! چیزهای بد دیگری هم سوره دارند: سوره ناس.

— از این آهک‌هایی که افغنه می‌کشند، سوره منافقون، سوره طلاق... پناه می‌بریم به خدا! (همان: ۵۰۷).

در نمونه فوق، واژگان «دخان» و ناس که هم در قرآن ذکر شدند و هم نام دو سوره قرآن هستند، به معنای «دخانیات» و «ناس». «مواد مخدری که افغنه استفاده می‌کنند» به کار رفته که این خود نیز خوانشی نوین از واژگان برای دستیابی به دو معنی است.

۲-۳-۳. تصویرآفرینی با واژه‌ها و آیات قرآن کریم

در این شیوه، نویسنده با استفاده از آیات قرآن سعی می‌کند تصویری وارونه بیافریند و این وارونگی را با برعکس نوشتن واژگان، به زیبایی هرچه تمام‌تر به مخاطب نشان دهد. همان گونه که می‌دانیم، قرآن کریم از هر گونه دگرگونی و تحریفی مصون است. اگرچه از همان روزگار ظهور اسلام، دشمنان حق با انواع ترفندها و دروغ‌ها خواسته‌اند اعتماد مسلمین را به قرآن مبین سُست نمایند، اما آفریدگار جهان، خود نگهدار و حافظ قرآن بود و خواهد بود؛ به عبارت دیگر، «از آنجا که خداوند مسبب‌الاسباب، همه امور طبیعت را با وسیله و سبب اجرا می‌کند، امر حفاظت قرآن را زیر نظر خودش و با عنایت اولیاءالله و اهتمام مسلمین به اجرا درآورده‌است» (مرزبان راد، ۱۳۷۹: ۱۸). بنابراین، هدف اصلی رضا امیرخانی در به کارگیری این دو شیوه در رمان‌های خود، دستیابی به معانی جدید است و به هیچ عنوان قصد تحریف یا اهانت به ساحت مقدس قرآن را نداشته‌است.

با مروری بر آثار رضا امیرخانی، می‌توان دریافت که آیات قرآن نقش ویژه‌ای در رمان‌های وی دارند. نویسنده به شیوه‌های گوناگون، از آیات قرآن در سراسر رمان‌هایش بهره و استفاده برده‌است و ذهن مخاطب را برای فهم بهتر و عمیق موضوعات، با آیات قرآن همراه ساخته‌است. این تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌های او گاهی مستقیم و آشکار و

شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌های رضا امیرخانی؛ امیرحسین عاقبتی و همکاران | ۱۵۵

گاه نیز غیرمستقیم و پنهان است. بیشترین تأثیرپذیری نویسنده از قرآن در رمان بیوتن است و به زیبایی هرچه تمام، توانسته خلاقیت خود را در به کارگیری آیات و کلام الهی نشان دهد. نمونه‌های تصویرآفرینی امیرخانی با واژه‌ها و آیات قرآن:

«من، اما تب می‌کنم و لرز...

و شهر...

ش

ه

...

﴿فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا﴾؛ "و چون امر ما دررسد، عالی را سافل می‌گردانیم..."

."

ر

ه

ش...» (امیرخانی، ۱۳۹۷، د: ۸۸).

متن فوق یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های سبکی و شیوه‌های اثرپذیری از قرآن در آخرین اثر امیرخانی، یعنی رمان رهش است که وی با توجه به آیات قرآن، تصویری جدید به ذهن مخاطب القا می‌کند. همچنین، جدانویسی حروف، خود به نوعی، به رهایی و سقوط اشاره دارد.

نویسنده با توجه به آیه ۸۲ سوره هود، تصویری وارونه از شهر می‌آفریند و می‌گوید: چنان که این شهر به سبب قهر و غضب خدا وارونه شود، مردم آن هلاک می‌شوند و جانشان را از دست می‌دهند و نیز روحشان از شهر — که اشاره به دنیای مادی دارد — رها می‌شود و به سوی خدا بازمی‌گردد. در نتیجه، رهش و رهایی از شهر (دنیا) صورت می‌گیرد.

با توجه به شواهد و مثال‌هایی که آورده شد، مشخص گردید که رمان‌های اول امیرخانی به لحاظ چاپ، در مقایسه با رمان‌های جدید وی، بیشترین تأثیرپذیری از قرآن را داشته‌اند و این تأثیر در آخرین رمان‌های نویسنده کمرنگ‌تر شده‌است. البته این را نیز باید گفت که

اگرچه کاربرد آیات قرآن در رمان رهش اندک است، اما سومین خصیصه سبکی و شیوه جدید تأثیرپذیری از قرآن، تنها در همین رمان ذکر شده بود.

۲-۳-۴. نوآوری در کاربرد نشانه‌های قرآنی

امیرخانی در رمان بیوتن به ضرورت از نشانه سجده برای القای معنایی خاص به مخاطب، با رویکرد تعجبی یا استهزایی بهره گرفته است. در قرآن کریم، آیاتی هستند که سجده واجب یا مستحب دارند. این آیات با علامتی به شکل گلدسته نشان داده شده‌اند. در رمان بیوتن، نویسنده در صفحات ۱۸۵، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۶۸، ۲۹۰، ۳۴۲ و ۳۶۳، جملاتی را که مایه تعجب و حیرتند، به شیوه قرآن کریم علامت گذاری کرده است:

«به هر صورت، این هم نوعی حرفه است و محترم. ۱ آدم می‌رود و ۲۰ سال درس می‌خواند، می‌شود دانشمند. بعد دانشش را در اختیار کمپانی‌ها قرار می‌دهد و سالی ۱۰ها ۱۰۰۰ دلار یا بیشتر پول درمی‌آورد: (سجده واجب عند خشی)؛ یعنی علمش را می‌فروشد. دین فروشی هم برای امثال ارمیا که ۲۰ سال دینداری کرده‌اند، ۱ کار بسیار خوب است. پولش را هم از مردم می‌گیرند!» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۱۸۳).

۳. نتیجه

با بررسی پنج رمان مذکور، مشخص شد که نویسنده با خلاقیت خود به ابداع شیوه‌های جدید تأثیرپذیری از قرآن دست یافته است. این اثرپذیری با عنوان نوآوری در تأثیرپذیری از قرآن، به پژوهشگران معرفی شد. با بررسی آیات در رمان‌های نویسنده، به این جمع‌بندی رسیدیم که امیرخانی به ترتیب در رمان‌های بیوتن، من‌او، ارمیا، رهش و قیدار، بیشترین بهره را از آیات قرآن کریم برده است. همچنین، کاربرد شیوه‌های نوین تأثیرپذیری از قرآن بیشتر در رمان بیوتن، من‌او و رهش مشاهده گردید. نویسنده از آیات قرآن در رمان‌های اول خود، مثل ارمیا، بیوتن و من‌او، بیشترین تأثیر را پذیرفته است، اما در رمان‌های قیدار و رهش که آخرین آثار اوست، این تأثیر نیز کم‌رنگ شده، نسبت به آثار اول او آیات کمتری به کار رفته است.




با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، مشخص گردید که هدف نویسنده از استناد به آیات قرآن، بیشتر برای تأیید سخن و تأکید بر موضوع یا مضمون مدنظر خود است. در واقع، نویسنده می‌خواهد با استناد به آیات قرآن، علاوه بر تزئین و زیباسازی کلام، ذهن مخاطب را روشن سازد و معانی دقیق‌تر و پذیرفته‌تری را به ذهن خواننده القا کند. از آنجا که موضوع رمان‌ها با یکدیگر متفاوت است، کاربرد آیات در هر رمان نیز فرق می‌کند و با توجه به شرایط و موضوع هر رمان تغییر می‌یابد.

امیرخانی از تمام شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌هایش بهره برده، اما از شیوه‌های واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی و چندسویه، بیش از سایر شیوه‌ها استفاده کرده‌است. وی علاوه بر این روش‌ها که شناخته شده هستند، چهار شیوه جدید به آن‌ها نیز افزوده‌است. این چهار شیوه با عناوین نوآوری در رسم‌الخط، نوآوری در ترجمه واژه‌ها، تصویرآفرینی با واژه‌ها و آیات قرآن و نوآوری در کاربرد نشانه‌های قرآنی ذکر شدند. نویسنده با تغییر در رسم‌الخط آیات قرآن و نیز تغییر در ترجمه واژه‌های عربی به زبانی دیگر — که در این زمینه، نویسنده بیشتر به زبان انگلیسی توجه کرده‌است — همچنین، با وارونه جلوه دادن لغات و تصویرسازی، به دنبال دستیابی به معانی جدید بوده‌است. بنابراین، هدف اصلی رضا امیرخانی در به کارگیری این شیوه‌ها در رمان‌های خود، دستیابی به معانی جدید است و به هیچ عنوان قصد تحریف یا اهانت به ساحت مقدس قرآن را نداشته‌است. وی با این چهار روش، توانسته به زیبایی هرچه تمام‌تر، معانی تازه‌ای را به ذهن مخاطب القا و ذهن خواننده را با ذکر معانی ثانویه واژه‌ها به دیگر سو هدایت کند که این موضوع سبب پویایی و فعال‌سازی ذهن خواننده در برخورد با این معانی جدید می‌گردد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Amirhossein Aghebati  <https://orcid.org/0009-0007-8902-5325>
Behjat al-Sadat Hejazi  <https://orcid.org/0000-0002-6026-760x>
Seyyed Amir Jihadi Hosseini  <https://orcid.org/0000-0001-9278-7784>

منابع

قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

اسماعیل پور، محمد مهدی. (۱۳۹۴). «قرآن و حدیث، الهام بخش آرای عرفانی نجم‌الدین رازی در مرصادالعباد». حکمت عرفانی. س ۴. ش ۲ (پیاپی ۱۰). صص ۷۵-۹۲.

امیرخانی، رضا. (۱۳۹۷). الف. *ارمیا*. چ ۳۱. تهران: نشر افق.

_____ . (۱۳۹۷). ب. *من‌او*. چ ۴۶. تهران: نشر افق.

_____ . (۱۳۹۷). ج. *قیدار*. چ ۱۵. تهران: نشر افق.

_____ . (۱۳۹۷). د. *رهش*. چ ۱۵. تهران: نشر افق.

_____ . (۱۳۹۶). بیوتن. چ ۱۴. تهران: نشر علم.

حسن بیگی، ابراهیم. (۱۳۸۷). محمد رسول‌الله (ص). چ ۲. تهران: انتشارات مدرسه.

خاتمی، احمد. (۱۳۸۰). «ادبیات فارسی تحت تأثیر قرآن و حدیث است». مصاحبه‌کننده سیامک ظریفی. گلستان قرآن. تهران: مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی؛ شهریور ۱۳۸۰. ش ۸۰

خسروی، حسین. (۱۳۸۸). «تأثیر قرآن و حدیث در حدیقه سنایی». کیهان فرهنگی. ش ۲۷۴ و ۲۷۵. راستگو، محمد. (۱۳۹۲). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*. چ ۱۰. تهران: نشر سمت.

رجبی، کیومرث. (۱۳۹۶). *آسیب‌شناسی بازتاب و کارکرد مفاهیم قرآنی در ادبیات داستانی معاصر، مطالعه موردی آثار: صادق هدایت، رضا امیرخانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم

قرآنی به راهنمایی محمدنبی احمدی. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم کرمانشاه. مجوزی، محمد و فاطمه علیخانی ثانی ابدال آبادی. (۱۳۹۳). «کاربرد آیات و احادیث در تاریخ

بیتهقی». *متن‌شناسی ادب فارسی*. د ۶. ش ۲. (پیاپی ۲). صص ۸۵-۱۰۲.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَهُ تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْلَمُونَ﴾ (البقره / ۱۴۴).

۲. امیرخانی در رمان‌های خود به عنوان یک شاخص منحصر به فرد سبکی از رسم الخطی متفاوت با سایر نوشته‌های استاندارد بهره می‌گیرد که گاه مخاطبان را متوجه معانی پنهان در متن کند و گاه با نگرشی انتقادی به تحلیل گفتمان و ارزیابی موقعیت متن می‌پردازد.

References

- The Holy Quran*. Translated by Mehdi Elahi Qomshaei.
- Ismailpour, Mohammad Mehdi. (2014). "Qur'an and Hadith, the Inspiration of Najmuddin Razi's Mystical Opinions in Mersad ul-Ebad". *Mystical Wisdom*. Vol. 4. No. 2 (Consecutive 10). Pp. 75-92. [In Persian].
- Amirkhani, Reza. (2017). a. *Ernia*. 31th. Tehran: Ofog Publishing House. [In Persian].
- (2017). b. *Man-e Ou*. 46th. Tehran: Ofog Publishing House. [In Persian].
- (2017). c. *Gheydar*. 15th. Tehran: Ofog Publishing House. [In Persian].
- (2017). d. *Rahesh*. 15th. Tehran: Ofog Publishing house.
- (2016). *Bivatan*. 14th. Tehran: Elm Publishing. [In Persian].
- Hasan Beygi, Ibrahim. (1387). *Mohammad, the Messenger of God (pbuh)*. 2th. Tehran: Madreseh Publications. [In Persian].
- Khatami, Ahmad. (1380). "Persian Literature is Influenced by Qur'an and Hadith". The Interviewer is Siamak Zarifi. *Golestan Qur'an*. Tehran: Center for the Development and Promotion of Qur'anic Activities; September 1380. No. 80. [In Persian].
- Khosravi, Hossein. (1388). "The Influence of Qur'an and Hadith in Sana'i's Hadigheh ". *Cultural Universe*. No. 274 &275. [In Persian].
- Rastgoo, Mohammad. (2012). *Manifestation of Qur'an and Hadith in Persian Poetry*. 10th. Tehran: Samt Publishing House. [In Persian].
- Rajabi, Keumarth. (2016). *Pathology of the Reflection and function of Qur'anic Concepts in Contemporary Fiction, a Case Study of the Works of: Sadegh Hedayat, Reza Amirkhani*. Master's Thesis in

Qur'anic Sciences under the Guidance of Mohammad Nabi Ahmadi. Kermanshah University of Qur'anic Sciences and Education. [In Persian].

Mojavzezi, Mohammad & Fatemeh Alikhani Thani Abdolabadi. (2013). "The Use of Verses and Hadiths in the History of Beyhaghi". *Matnshenasi Adab-e Farsi*. Vol. 6. No. 2. (Consecutive 2). Pp. 102-85. [In Persian].



استناد به این مقاله: عاقبتی، امیرحسین، حجازی، بهجت‌السادات و جهادی حسینی، سید امیر. (۱۴۰۱). شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن در رمان‌های رضا امیرخانی، دوفصلنامه علمی سراج منیر، ۱۳(۴۵)، ۱۳۳-۱۶۰.

DOI: 10.22054/ajsm.2023.71046.1881



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.